

09 ARA 2012

the princely vision: Persian art and culture in the fifteenth century, Los Angeles 1989; Ulrich Marzolph, *Narrative illustration in Persian lithographed books*, Leiden 2001; G. M. Meredith-Owens, *Persian illustrated manuscripts*, [London] 1973; Francis Richard, *Splendeurs persanes: manuscrits du XII^e au XVII^e siècle*, Paris 1997; Eleanor Sims, Boris I. Marshak, and Ernst J. Grube, *Peerless images: Persian painting and its sources*, New Haven 2002; Zeren Tanındı, "Additions to illustrated manuscripts in Ottoman workshops", *Muqarnas*, vol. 17 (2000).

/ معصومه میرسعیدی و میترا لطفی شمیرانی /

خمسہ (۳)، از ولایات سابق ایران در دوره زندگی و قاجار، تقریباً منطبق بر استان زنجان کنونی. نام خمسہ، همراه با تعبیر بلوکات و محال که تقریباً از اواخر حکومت افشاریان متداول شد کمابیش بر استان زنجان* کنونی به استثنای طارم منطبق بوده است (حسینعلی، ص ۴۲؛ نیز - هدایت، ج ۹، ص ۳۱۵؛ غفاری کاشانی، ص ۷۷؛ اعتضادالسلطنه، ص ۳۳، ۳۵؛ سپهر، ج ۱، ص ۴۸).

سبب اطلاق نام خمسہ را استقرار طوایفی از ایلات پنج‌گانه شاهسون*، بیات*، اُصانلو*، مقدم و خدابنده‌لو (تجوتی، ص ۲۶-۲۷، ۲۷۳-۲۷۴؛ حسینعلی، ص ۱۴-۱۵) و نیز وجود پنج بلوک زنجان‌رود، ابهررود، ایجرود، سجاس‌رود و بزینرود در این ولایت دانسته‌اند (شیروانی، ص ۲۷۳-۲۷۴؛ حسینعلی، ص ۱۴؛ نظم‌ده، ص ۸۳).

ولایت خمسہ با آب‌وهوای خوب، تفرجگاهی برای شاهان زند و قاجار و امرا و بزرگان دربار بود (غفاری کاشانی، ص ۱۲۹؛ احتشام‌السلطنه، ص ۱۵۹؛ پری، ص ۹۷؛ قس گلستانه، ص ۴۵۵) و بیشتر ایشان در آن ولایت املاک و اقطاعی داشتند (خاوری شیرازی، ص ۱۷۰؛ اعتضادالسلطنه، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ نظام‌السلطنه مافی، ج ۳، ص ۷۷۳). این ولایت با داشتن عواید سرشار حاصل از محصولات کشاورزی به‌ویژه غلات، همچنین معادن غنی مس، زغال‌سنگ و آهن (مستوفی، ج ۲، ص ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۸؛ کیهان، ج ۲، ص ۳۷۶-۳۷۸، ج ۳، ص ۴۳-۴۰، ۸۶، ۹۲، ۱۸۳) و نیز سکونت ایلهای مشهور و غالباً سرکشی چون افشار شاهسون و دویران (اعتشام‌السلطنه، همانجا) همواره مورد توجه حکومت وقت قرار داشت؛ چنان‌که حکمرانی این ولایت برعهده شاهزادگان و

وابستگان و معتمدان دربار بود و گاه عرصه رقابتی برای حکمرانیهای طولانی می‌شد (مفتون دنبلی، ص ۱۹؛ جهانگیرمیرزا، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ هدایت، ج ۹، ص ۸۳-۸۵؛ سپهر، ج ۱، ص ۴۸، ۱۸۳، ج ۲، ص ۶۱۲؛ صدیق‌الممالک، ص ۳۷۴؛ اعتضادالسلطنه، ص ۱۴۵). ولایت خمسہ به سبب قرار گرفتن بر سر راه تهران - تبریز، خاصه در زمان قاجار که ولیعهدنشین بود، و نیز مسیر اتصال ایران به عثمانی و اروپا، موقعیتی سوق‌الجیشی داشت و همواره نیروهای نظامی سازمان‌یافته و معتابیهی در آنجا استقرار داشتند (ساروی، ص ۲۰۱؛ جهانگیرمیرزا، ص ۶۸؛ سپهر، ج ۳، ص ۱۲۳۹؛ اعتضادالسلطنه، ص ۴۲۵؛ نیز - کرزن، ج ۱، ص ۶۰۰).

ولایت خمسہ در زمان فتحعلی‌شاه قاجار (حک: ۱۲۱۲-۱۲۵۰) شامل مناطقی از قزوین، گروس، همدان و آذربایجان به مرکزیت زنجان بود (افضل‌الملک، ص ۴۱۰) و در طی زمان حدود آن کم و زیاد می‌شد؛ در زمان احمدشاه قاجار (حک: ۱۳۲۷-۱۳۴۴) خمسہ به همراه کردستان ضمیمه ولایت آذربایجان شد (مستوفی، ج ۲، ص ۳۲۳). به تدریج در اواخر حکومت قاجار، شهر زنجان که دارالاماره و مرکز ولایت خمسہ بود، نام کل ولایت را به خود گرفت؛ چنان‌که زنجان و خمسہ مترادف یکدیگر به کار رفته است (حاج سیاح، ص ۱۱۹، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۷۱، ۴۱۰، ۵۶۵). در ۱۳۱۰ ش، ولایت خمسہ مشتمل بود بر مناطق زنجان و حومه، زنجان‌رود، ابهررود، ایجرود، انگوران، طارمات و خدابنده‌لو به مرکزیت زنجان و در مجموع ۸۴۶ روستا از جمله سلطانیه و ابهر و ۱۳ روستای خالصه را دربرمی‌گرفت (کیهان، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۸، ج ۳، ص ۸۶؛ نیز - ساهر، جغرافیای خمسہ). براساس قانون تقسیمات کشوری در آبان ۱۳۱۶، خمسہ دوازدهمین شهرستان از استان شمال بود، شامل بخشهای: (۱) زنجان‌رود، سلطانیه*؛ (۲) ابهر*، خررود به مرکزیت ابهر؛ (۳) ایجرود، سجاس‌رود، بزینرود، خدابنده‌لو به مرکزیت کرسف؛ (۴) انگوران، اورباد، غنی، بیگلو به مرکزیت ماه‌نشان؛ (۵) طارم‌علیا و سفلا به مرکزیت طارم* (ایران. قوانین و احکام، ص ۶۲-۶۳، ۷۳). در اصلاح قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۹ دی ۱۳۱۶، که ایران به ده استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد نامی از خمسہ نیامد (همان، ص ۸۱-۸۳). خمسہ در فهرستی که وزارت کشور در ۱۳۲۵ ش تهیه کرده، صرفاً نام دهستانی در بخش ابهر بوده است (فریدی مجید، ج ۴، ص ۴۹). پس از آن دیگر نام خمسہ در تقسیمات کشوری شهرستان زنجان نیامده است.